

سُورَةُ الطَّارِقِ ٨٦

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران
وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ

﴿١﴾

بر سما سوگند خورده کردگار همچنین سوگند به طارق آشکار
وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ

﴿٢﴾

تو چه دانی چیست طارق را اثر؟ هم ندانی معنی آن سربه‌سر
النَّجْمِ الثَّاقِبِ

﴿٣﴾

آن بود نجمِ فروزنده و تَک نور فشاند هم‌چو تیر اندر فلک
إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ

﴿٤﴾

بر همه انفاس خلق و مردمان یک نگهبانی مقرر شد نهان
فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ

﴿٥﴾

لازم است آرد نظر نیک، آدمی کافریده چون بگردید از نمی؟
خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ

﴿٦﴾

خلقت از آبی بشد کآمد روان که جهنده بود اندر آن میان
يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ

﴿٧﴾

تا برون آید از آن پشت پدر سوی بطن مادر آید چون گهر
إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ

﴿٨﴾

آن که این سان آفرید و ظاهر است زنده کردن بعد مرگ را قادر است
يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ

﴿٩﴾

اندر آن روز که بگردد بر ملا کُلِّ اسرار همه نزد خدا
فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ

﴿١٠﴾

نیست قدرت آدمی را نیز هم تا کند نصرت به خود اندر آلم
وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ

بار دیگر هست قسم بر آسمان که مکرّر آب باران ریزد آن
وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ

همچنین سوگندِ دیگر بر زمین که برویاند گیاهان این‌چنین
یعنی می‌آیند برون از هر جهات می‌شکوفاند ثمر از خود نبات
إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ

این پیام‌هایی که آمد پشتِ هم حق و باطل را جدا سازد زِ هم
وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ

این کلام نه هزل باشد نه فسون درک آن حکمت همی آرد فزون
إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا

می‌کنند این کافران از جهلشان مکر و نیرنگ‌ها به سوی ریشان
وَأَكِيدُ كَيْدًا

می‌دهیم وقت معین ما نشان پاسخ سنگین، جزای مکرشان

فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا

﴿۱۷﴾

مهلتی ده، کن مدارا، ای رسول! با چنین کُفار که می‌ورزند عدول
نیست گریزی عاقبت از بهرشان زان عِقابی که شود فرجامشان